



An Examination of the Offense of *Raysh* in Hadith Literature: Focusing on the Tradition “The Payer, the Recipient, and the Intermediary Between Them are Cursed”

Seyyed Abolghasem Hosseini Zeidi¹ | Ahmad Ghorbani Farimani²

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. E-mail: hosseini.zeydi@razavi.ac.ir
2. M.A. in Criminal Law and Criminology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. E-mail: ahmadgfarimani@gmail.com

Article Info

Article type:

Review Article

Article history:

Received: 9 February 2025

Revised: 9 June 2025

Accepted: 19 October 2025

Available online 1

December 2025

Keywords:

Rā'ish (Intermediary in Bribery), *Raysh* (Offense of Intermediation), *Rishwa* (Bribery), *Rishā* (Giving a Bribe), *Irtishā* (Receiving a Bribe), Draft Law on *Ta'zīrāt*.



ABSTRACT

One of the actions and offenses related to bribery (*rishwa*) is the act of intermediation in the crime of giving and receiving bribes (*rishā and irtishā*). In Islamic jurisprudence, this person is termed the *Rā'ish*, and the committed offense is called *Raysh*, which fundamentally constitutes a specific form of complicity in criminal activity. The Iranian legislature, in the Law on *Ta'zīrāt* (Islamic Penal Codes) and Deterrent Punishments (ratified 1996), for the first time enacted an independent criminalization for this particular type of complicity. Article 593 of this law designates the offense of *Raysh* under the title of "providing the grounds for the realization of the offense of *Irtishā*" (Receiving a Bribe). The main research question is: Despite the existence of general provisions concerning complicity in criminal law, what necessitates the independent criminalization of this specific offense? In response, it is posited that this legislative action is undertaken in adherence to the juristic ground of the offense of *Raysh*. This research, employing a descriptive-analytical methodology with an emphasis on library sources, achieves a significant conclusion by meticulously gathering and scrutinizing all relevant Traditions concerning the *Rā'ish* from primary and authoritative canonical texts, which constitute the sole jurisprudential sources for this offense. It is ascertained that these narrations, particularly the authentic narration (Ṣaḥīḥa) of Ibn Bābawayh, fully justify this independent criminalization. Following this establishment, the study proceeds to analyse the thematic content of the *Aḥādīth* to assess the congruence between the jurisprudential principles and the current legislation, subsequently offering recommendations for the completion of the penal system within the Draft Law on *Ta'zīrāt* 2025.

Cite this article: Hosseini Zeidi, S. A.; Ghorbani Farimani, A. (2024). An Examination of the Offense of Raysh in Hadith Literature: Focusing on the Tradition “The Payer, the Recipient, and the Intermediary Between Them are Cursed”. *Hadith Doctrines*, 8(16), 109-135. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.6782.1252>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

بررسی جرم «ریش» در روایات با تأکید بر روایت «الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالرَّائِشُ بَيْنَهُمَا مُلْعُونُونَ»

سید ابوالقاسم حسینی زیدی  | احمد قربانی فریمانی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.
hoseini.zeydi@razavi.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزایی و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.
ahmadgfarimani@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ کلیدواژه‌ها: ریش، رانش، ریش، رشوه، رشا، ارتشا، لایحه تعزیرات. 	یکی از افعال و جرائم مرتبط با رشوه، واسطه‌گری در جرم رشا و ارتشا است. در فقه به این شخص رایش گفته می‌شود و به جرم ارتكابی ریش گویند که در واقع نوعی خاص از معاونت در جرائم است. قانون‌گذار در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵)، برای اولین بار اقدام به جرم‌انگاری مستقل این نوع از معاونت نموده است. در ماده ۵۹۳ این قانون جرم ریش با عنوان «فراهم نمودن موجبات تحقق جرم ارتشا» بیان شده است. سؤال اصلی این است که علی‌رغم وجود مواد عمومی معاونت در قوانین کیفری، چه نیازی به جرم‌انگاری مستقل این جرم وجود دارد؟ که در پاسخ باید گفت این اقدام به تبعیت از پشتوانه فقهی جرم ریش صورت گرفته است و در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، با تأکید بر منابع کتابخانه‌ای، با جمع‌آوری و بررسی دقیق تمام احادیث مرتبط با رایش از کتب متقدم و مرجع (که تنها منابع فقهی این جرم می‌باشند)، به این مهم دست یافت که این روایات، به‌ویژه صحیح‌ه ابن بابویه به‌طور کامل این جرم‌انگاری مستقل را توجیه می‌کند. پس از دستیابی به این مهم، با تحلیل مضمون احادیث، انطباق مبانی فقهی با قانون فعلی را سنجیده و پیشنهادهایی برای تکمیل نظام کیفری برای لایحه تعزیرات ۱۴۰۳ ارائه می‌نماید.

استناد: حسینی زیدی، سید ابوالقاسم؛ قربانی فریمانی، احمد. (۱۴۰۳). بررسی جرم «ریش» در روایات با تأکید بر روایت «الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالرَّائِشُ بَيْنَهُمَا مُلْعُونُونَ». آموزه‌های حدیثی، ۸(۱۶)، ۱۰۹-۱۳۵.

<https://doi.org/10.30513/hd.2025.6782.1252>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

جرائم مرتبط با رشوه از جمله معضلات اساسی جوامع بشری محسوب می‌شوند که تأثیرات عمیق و گاه جبران‌ناپذیری بر نظام اداری، اقتصادی و حتی فرهنگی یک جامعه می‌گذارند. رشوه به عنوان یکی از مصادیق فساد مالی، نه تنها به اعتماد عمومی مردم به نهادهای حاکمیتی آسیب می‌زند، بلکه باعث ناکارآمدی سیستم‌های مدیریتی و اداری نیز می‌شود. در سال‌های اخیر با پیشرفت علم و تکنولوژی و گسترش و فراگیری نظام‌های اداری، جرائم مرتبط با رشوه هم به طور تصاعدی افزایش یافته است؛ برای مثال ۳۵۷ درصد افزایش ارزش ریالی این جرائم، ۲۸ درصد افزایش دستگیری و ۱۹ درصد افزایش پرونده‌های مرتبط با رشا و ارتشا در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۰ به وقوع پیوسته است.^۱

این مسئله مستلزم پیشرفت علم حقوق هم‌راستای با پیچیده‌شدن این جرائم است؛ اما هر کدام از جرائم مرتبط با رشوه، نیازمند کاوشی عمیق و تحقیقی دقیق دارد که در این پژوهش تنها به فعل رایش یعنی جرم ریش می‌پردازد. جرم ریش توسط قانون‌گذار ایران مورد توجه قرار داده شده و در قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵) در ماده ۵۹۳ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. فاعل این ماده به اذعان علمای حقوق همان رایش است. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ص ۴۰۴) (آقای‌نیا، ۱۴۰۳، ص ۳۳۰) جدای از تأثیرات مخرب این واسطه‌گری در اجتماع که نیازمند بررسی جامعه‌شناسی کیفری است، پیرامون این جرم مهم تحقیق جامعی حتی جهت اصطلاح‌شناسی آن هم صورت نگرفته است که اولین قدم این پژوهش اصطلاح‌شناسی کامل جرم ریش است. سپس با توجه به این که ماهیت عمل رایش مورد تأکید حقوق‌دانان قرار گرفته است و بیان نموده‌اند که نوعی خاص از معاونت محسوب می‌شود (نظریه: ۷/۹۷/۳۱۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضاییه) به دنبال پاسخ به این سؤال است که با وجود مواد عمومی جرم‌انگاری معاونت (در مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که سابقاً در مواد ۲۸ و ۲۹ قانون جزای

۱. آفتاب نیوز: کد خبر: ۷۲۹۹۸۳ تاریخ انتشار: ۱۱ مهر ۱۴۰۰ لینک کوتاه: <https://aftabnews.ir/0033tv>

عمومی مصوب ۱۳۰۴ صورت گرفته بود) چه نیازی به جرم‌انگاری مستقل این جرم وجود دارد؟ باید دلیل موجهی برای استثنا کردن یک جرم و قراردادنش به عنوان مباشر یک جرم مستقل وجود داشته باشد، زیرا در حقوق کیفری اصل بر مضیق نمودن دایره جرائم و مجازات‌هاست و اضافه نمودن مجازاتی مستقل، آن هم بدون دلیل موجه از نظر حقوق کیفری عملی قبیح و از قانون‌گذار فهیم بعید خواهد بود. اما دلیل اصلی جرم‌انگاری ریش را باید در فقه جست‌وجو کرد.

در ایران، مقنن به شدت تحت تأثیر فقه قرار دارد؛ لذا اگر دلیل متقنی بر حرمت شدید عملی بیابد، به حکم قاعده «المعروف أن کلّ ذنب غیر موجب للحّد موجب التعزیر» (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۷، ص ۱۱۴) می‌تواند آن را مورد جرم‌انگاری قرار دهد. لذا این مقاله که یک تحقیق جامع میان‌رشته‌ای فقه الحدیث - حقوق کیفری می‌باشد، با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، منابع حدیثی فعل رایش را به طور کامل بررسی نموده تا تنها با تکیه بر همین منابع به لزوم جرم‌انگاری مستقل این فعل در شرع پی برده شود.

این مسئله از این حیث دارای اهمیت است که در سال ۱۴۰۳ اداره حقوقی مجلس، «لایحه تعزیرات» را برای اصلاح قانون انتشار داد تا محققان و دکتربین حقوق، آن را مورد واکاوی و اصلاح قرار دهند، یکی از مواد پیش‌بینی‌شده در این لایحه، ماده ۲۰۷ می‌باشد که با تغییراتی در جرم‌انگاری ریش همراه بوده است؛ لذا اصل لزوم جرم‌انگاری رایش، دامنه حدیثی جرم ریش و انطباق این دو جهت اصلاح قانون، از اهداف این پژوهش است. در مورد جرم ریش سابقه پژوهش مستقلی وجود ندارد، بلکه علمای حقوق در کتب جرائم علیه مصالح عمومی کشور به توضیحی اجمالی در حد یک صفحه و علمای فقه در کتب مکاسب محرمه در حد چند خط به این جرم پرداخته‌اند، لذا به طور کلی در مورد این جرم مهم، خلأ پژوهشی وجود دارد که این پژوهش چشمه کوچکی از تفسیر فقهی-حقوقی آن است.

علاوه بر این، دستاوردهای این پژوهش در ابواب دیگر فقه و حدیث کاربردی است؛ چراکه مهم‌ترین حدیثی که در این مقاله پیرامون راویان آن بحث می‌شود، حدیث ابن بابویه (دارای سلسله سندی است که مورد بررسی کامل قرار داده خواهد

شد، در کتب روایی این سلسله سند برای حداقل ۲۵ روایت دیگر هم به کار رفته است که در ابواب مختلف اخلاقیات، آداب زندگی و معاشرت و احادیث مهمی پیرامون باب رهن وجود دارند. در صورت صحیح بودن این سلسله برای کاربرد دیگر پژوهشگران هم مثمر ثمر خواهد بود. حال برای رسیدن به اهداف این پژوهش ابتدا نیازمند فهم اصطلاحات به کار رفته در مقاله خواهد بود. پس از آن با توجه به منابع فقهی باب رشوه، به تحلیل این منابع مخصوصاً احادیث حوزه ریش خواهد پرداخت و در بخش پایانی به تحلیل حقوقی و تطابق فقه الحدیث روایات بیان شده با قانون فعلی خواهد پرداخت تا در نتیجه‌گیری بهترین پیشنهاد جهت اصلاح لایحه تعزیرات ۱۴۰۳ بیان گردد.

۱. تعریف اصطلاحات

واژگان به کار رفته در مقاله شامل رشوه و جرائم مرتبط آن شامل رشا و ارتشا می‌باشد. ابتدا شرح مختصری پیرامون این اصطلاحات داده خواهد شد تا سومین جرم مرتبط، یعنی ریش، از نظر لغت و اصطلاح‌شناسی مبسوط مورد تحلیل قرار گیرد.

۱.۱. رشوه

رشوه واژه‌ای عربی است با سه حرف اصلی (ر ش و) و به معنای «آنچه برای انجام یک کار داده می‌شود، یا آنچه برای تحقق ناحق یا از بین بردن حق داده می‌شود» (نجار، ۱۹۸۹م، ص ۳۴۸؛ بسمه‌جی، ۲۰۰۹م، ص ۲۷۹). اعراب حروف آن به ضم راء و نیز به کسر یا فتح آن تلفظ می‌شود و در فارسی برای آن معانی مختلفی به کار رفته است؛ اما معنای مورد نظر این پژوهش «آنچه به کسی دهند برای کار ناروا و غیرمشروع» است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷۵). معنای اصطلاحی این واژه از معنای لغوی آن جدا نیست و مطابق قوانین فعلی ایران به خصوص ماده ۳ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷)، رشوه مالی است که به فرد ذی سمت قانونی داده می‌شود تا انجام یا عدم انجام فعلی را که مربوط به سازمان حوزه فعالیت اوست تضمین نماید.

۲.۱. رشا و راشی

رشا با همان سه حرف اصلی (ر ش و) در اصطلاح یک فعل و عمل مجرمانه است که در آن فرد (حتی بی‌سمت) عالماً و عامداً برای انجام یا عدم انجام رفتار فردی ذی‌سمت رشوه پرداخت می‌کند (ماده ۵۹۲ قانون تعزیرات). پس وقتی شخصی بگوید: «رشا فلاناً» در واقع گوینده دارد بیان می‌کند: اعطاء رشوة (نجار، ۱۹۸۹، ص ۳۴۷) یعنی به او رشوه داد. رشا در لغت به معناهای دیگری هم به کار رفته است: «ریسمان و ریسمان دول و رشته ماندی مر درخت کدو و خیار و مانند آن‌ها را که بدان بر درختی و جز آن برآید» (نفیسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۵۶). در وجه تسمیه رشا به طناب گفته‌اند: در واقع راشی با بستن طناب به مرتشی وی را به سوی خود می‌کشد. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ص ۳۴۶) راشی لقب فردی است که رشوه را به فرد ذی‌سمت پرداخت می‌کند؛ بنابراین رشوه‌ده، رشوه‌دهنده، پاره‌دهنده (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳۴؛ نفیسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۱۱) همگی راشی هستند.

۳.۱. ارتشا و مرتشی

ارتشا مصدر ثلاثی مزید باب افتعال با همان ریشه (ر ش و) است. در معنای اولیه به معنای رشوت گرفتن (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ص ۵۴) و رشوه خوردن است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). در اصطلاح حقوقی هرگاه فرد دارای سمت قانونی یا قراردادی (موجود در ماده ۳ قانون تشدید مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷)، برای انجام یا عدم انجام فعلی که مربوط به سازمان حوزه فعالیت وی است، مالی دریافت کند، به همین قبض یا تضمین پرداخت مال در مقابل کار فرد، ارتشا می‌گویند. مرتشی در لغت به معنای رشوه‌خوار و رشوه‌گیر (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳۴) است. اما در اصطلاح به فردی که فعل ارتشا را انجام می‌دهد، مرتشی می‌گویند.

۴.۱. رانش یا رایش

رانش [مفرد] اسم فاعل از راش. دارای سه حرف اصلی (ری ش)؛ در کتب لغت عربی از رانش با اصطلاحات مختلفی یاد شده است. این اصطلاحات در واقع همان معادل‌ها و مترادف‌های کلمه رانش هستند؛ لذا برای فهم راحت و ایجاد قدرت مقایسه، غالب مشترکی که در کتب لغت ذکر شده، بیان می‌شود تا هر یک از

- این معادل‌ها در این قالب قرار گرفته شده و بهترین معناگزینش شود.
- در کتب لغت رایش بدین صورت معنا شده است: رایش: الذي بین الرایشی و المُرْتَشِي (بینهما) مترادف‌هایی که برای این جای خالی بیان نموده‌اند:
۱. یتوسط (بصمه‌جی، ۲۰۰۹م، ص ۲۶۹): به معنای در میان چیزی رفتن و میانجی‌گری کردن آمده است. (ابن معروف، بی‌تا، ص ۳۶۳)
 ۲. الوکیل (الکشمیری الهندی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۷۳)
 ۳. یسدی (مهنّا، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۸): به معنای أصلح است. (نجار، ۱۹۸۹م، ص ۴۲۴) یعنی کسی که میان راشی و مرتشی را اصلاح می‌کند.
 ۴. السّفیرُ (نجار، ۱۹۸۹م، ص ۳۸۵): سفیر به معنای دلال هم به کار رفته است. (ابن معروف، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۴) همچنین به معنای مصلح هم به کار رفته است. (ابن معروف، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۵)
 ۵. الساعی (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۵۰۷): به معنای (کوشنده و زکوه ستاننده تا به مستحقان دهد) به کار رفته است. (ابن معروف، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۷۷) اگر همان معنای اول اخذ شود رایش کسی است که می‌کوشد میان راشی و مرتشی را اصلاح کند.
 ۶. یسعی (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۲۶): به معنای کوشیدن و کار کردن آمده است. (مهیار، ۱۳۷۵، ص ۴۸۶)
- ابن اثیر در ادامه این لفظ، عبارت کوتاهی برای رایش بیان نموده‌اند که تنها میزانی از عمل رایش را شرح می‌دهد و اصلاً معنای آن محسوب نمی‌شود، اما به دلیل شهرت این معنا، شرح داده می‌شود: «یستزید لهذا و یشتنقص لهذا» (حسنی بیرجندی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۰۸) معنای آن چنین است: «رایش کسی است که برای یکی (راشی) طلب افزایش (مبلغ رشوه) می‌کند و برای دیگری (مرتشی) طلب کاهش (مبلغ رشوه)» دلیل طلب افزایش یا کاهش مبلغ رشوه سود بردن رایش است. در واقع رایش وقتی نزد راشی می‌رود بیان می‌دارد مبلغ رشوه را افزایش بدهد تا بتوان مرتشی را برای عمل مقتضی راضی کرد. از طرفی دیگر نزد مرتشی رفته و از وی تقاضا می‌کند از میزان رشوه بکاهد و به راشی رحم کند. این مابین مبلغی باقی می‌ماند که سهم رایش خواهد بود و این میزان وجه ممکن است جدای از مالی باشد که از راشی یا

مرتشی یا هر دو برای واسطه‌گری به او می‌دهند. در این‌که رانش سود خود را از کدام طرف مطالبه می‌کند، مبحثی اختلافی است و برخی معتقدند از مال راشی مطالبه می‌کند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۷۶) و برخی هم معتقدند از مال مرتشی مطالبه می‌کند. (حمیری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۲۵۰۷)

احتمالاً مبنای دوم سبب شده است قانون‌گذار ایران تنها رانش در جرم ارتشا را مجرم بداند. با تدقیق در اصطلاحات و معانی بیان‌شده، به نظر می‌رسد تمامی ۶ لغت گفته‌شده دارای یک مفهوم و معنا هستند و بهترین کلمه برای ترجمه لفظ رانش همان معنای اول (یتوسط) است؛ رانش همان واسطه در جرم رشا و ارتشا است. چیزی که در قوانین عقوبات مصر (ماده ۱۰۷) و عراق (ماده ۳۱۰) هم مورد پذیرش قرار گرفته است. در این معنا مهم نیست که رانش سود به دست می‌آورد یا نه. مبحث سود بردن یا نبردن رانش مسئله‌ای فرعی است که ربطی به معنای لغوی رانش ندارد. از آنجاکه «شکل همزه در زبان فارسی وجود ندارد؛ بنابراین به خود حق می‌دهیم که تا جایی که ممکن باشد از نگارش همزه به سود رسم الخط فارسی صرف‌نظر کنیم هم در واژه‌های عربی همزه‌دار و هم در واژه‌های فارسی که به تبع زبان عربی آن‌ها را با «همزه» می‌نویسیم. برای این کار می‌توانیم کلمه‌هایی که در آن همزه مکسور پس از مصوت بلند «الف» می‌آید به «ی» بدل کنیم» (خسروی، ۱۳۹۲، ص ۹۲) در نتیجه تلاش شده در این پژوهش، جز موارد ضروری مانند متن اصلی احادیث در سایر موارد لفظ رانش به صورت رایش نگاشته شود. رایش در کتب لغت‌شناسی فارسی، واسطه در جرم رشوه (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۲۹) میانجی میان پاره‌دهنده (راشی) و پاره‌گیرنده (مرتشی) (معین، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۶۳۲) و کسی است که معامله را بین رشوه‌خوار و رشوه‌دهنده جوش می‌دهد اعم از این‌که به کاهش و افزایش میزان رشوه باشد یا نباشد. او مجرم است. (لنگرودی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۰۱۷) و مطابق ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات، رایش کسی است که «موجبات تحقق جرم ارتشا» را فراهم می‌آورد.

۵۱. ریش^۱

ریش اسم مصدر رایش است. به فتح راء سکون یاء و شین (ریش) به جرمی که رایش آن را مرتکب می شود ریش گویند. به دلیل مغفول ماندن بحث رایش برای اقدامات پژوهشی و نگارشی، کسی به دنبال پیدا نمودن اصطلاحی مناسب برای این جرم نبوده است و این کلمه در هیچ کتاب لغتی ذکر نشده است بلکه برای اولین بار جعل اصطلاح صورت گرفته است.

۲. بررسی فقهی- حدیثی جرم ریش

در بررسی فقهی هر جرمی، لازم است به منابع اصیل و دست اول شریعت مراجعه شود تا میزان ارتباط آن جرم با احکام شرعی مشخص گردد. در خصوص جرم ریش، باید توجه داشت که قرآن کریم هیچ آیه ای که صراحتاً به حرمت این فعل اشاره کند، ندارد. هر چند می توان از آیات کلی مانند آیه ۲ سوره مائده (مائده ۲) که به حرمت یاری رساندن در گناه و تعدی اشاره دارد، برای استنباط حرمت ریش استفاده کرد، یا ایجاد انگیزه برای ارتکاب رشا و ارتشا را مجرای اجرای سه قاعده «اعانه بر اثم، امر به منکر و اضلال مومن» (اعراف، ۱۴۰، ج ۱، ص ۳۱۴) دانست، اما این نوع استنباط کلی ممکن است کفایت لازم برای توجیه جرم انگاری مستقل ریش در قانون را نداشته باشد.

از آنجاکه برای بررسی دقیق تر موضوع، باید به سنت پیامبر اکرم (ص) و احادیث نقل شده از معصومین (ع) مراجعه کرد. احادیث مرتبط با جرم ریش از اهمیت ویژه ای برخوردارند، زیرا این روایات می توانند پایه ای مستحکم برای اثبات یا نفی حرمت این فعل فراهم کنند و باید توجه داشت انگیزه جرم انگاری مستقل ریش تنها همین احادیث هستند. در میان منابع روایی، چهار اصطلاح اصلی در ارتباط با ریش به کار رفته است: ماشی، یمشی، معزی و رائش. این اصطلاحات به طور مستقیم به فعل رایش اشاره دارند و فهم دقیق این عبارات برای تبیین جرم ریش ضروری است.

در این مبحث، نگارنده احادیث مرتبط با این چهار اصطلاح را در چهار قسمت جداگانه بررسی خواهد کرد. در هر قسمت، متن حدیث، توضیحات پیرامونی، معنای واژگان کلیدی، و تحلیل‌های مرتبط با آن ارائه خواهد شد تا تصویر روشنی از مفهوم و جایگاه ریش در فقه اسلامی به دست آید. نسبت به سند روایات بعضاً به طور اختصاصی اظهار عقیده شده است که ذکر خواهد شد اما در مورد سایر روایات به صورت عام در بخش بررسی سندی احادیث اظهار عقیده خواهد شد. احادیثی که در این مبحث ارائه شده‌اند، شامل تمام موارد مرتبط با جرم ریش هستند. نگارنده تمام تلاش خود را نموده که احادیث مرتبط را از کتب مرجع، اصلی و متقدم نقل کند.

۱۲. احادیث با لفظ ماشی

وَقَالَ (ص): الرَّائِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي يَبْنِيهِمَا مَلْعُونُونَ (شعیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۶) ^۱ آیت الله بروجردی همین حدیث را از امام علی (ع) هم نقل کرده‌اند. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۴۲) این حدیث به دو صورت ترجمه شده است: ۱: رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و واسطه بین آن‌ها از نفرین شدگان هستند. (مظاهری، ۱۳۸۷، ص ۵۰) ۲: رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و کسی که بین آن‌ها رابطه برقرار می‌کند مورد لعنت [خداوند] است. (ابن معروف، بی تا، ص ۶۶۵) ^۲

کلمات مختلف به کاررفته در این حدیث و احادیث بعدی نباید ما را از معنای

۱. شناسه حدیث: ۳۱۳۰۰۲. لینک کوتاه: <http://noo.rs/FhWuY>

۲. مشابه این حدیث و با همین لفظ به دو گونه‌ی دیگر هم در کتب حدیثی موجود است:

(الف) قَالَ «صلى الله عليه وآله وسلم»: لَعَنَ اللَّهُ الرَّائِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي يَبْنِيهِمَا. (شناسه حدیث: ۲۸۹۷۸۳ لینک کوتاه: <http://noo.rs/O72ea>) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴) خدا لعنت کند رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و

دلال آن را. (وک: زمانی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۰)

(ب) وَقَالَ «عليه السلام»: لَعَنَ اللَّهُ الرَّائِي وَالْمُرْتَشِي وَالْمَاشِي يَبْنِيهِمَا وَقَالَ إِيَّاكُمْ وَالرَّشْوَةَ فَإِنَّهَا مَخْضُ الْكُفْرِ وَلَا يَشْمُ صَاحِبُ الرَّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّوَاطُعَ لَعْنِي فَمَا تَضَعُضُ أَحَدٌ لَعْنِي إِلَّا ذَهَبَ تَصْبِيئُهُ مِنَ الْجَنَّةِ. (شعیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۶) (شناسه حدیث: ۳۱۳۰۰۳ لینک کوتاه: <http://noo.rs/ZWFSV>) خداوند لعنت کند راشی (دهنده رشوه)، مرتشی (گیرنده رشوه) و کسی را که میان آن‌ها واسطه‌گری می‌کند. همچنین فرمودند: از رشوه بهره‌یزید، زیرا آن کفر خالص است و صاحب رشوه بوی بهشت را نخواهد بویید. و نیز فرمودند: از تواضع و فروتنی در برابر ثروتمندان برحذر باشید، زیرا هیچ‌کس در برابر ثروتمندی خضوع نکرد، مگر این‌که سهم او از بهشت از بین رفت.

اصلی این اصطلاحات غافل کند. هدف از آوردن دو ترجمه در این قسمت این است که مشاهده شود باوجود این کثرت اصطلاحات به کاررفته و آوردن ترجمه‌های متفاوت، در نهایت همگی به معنایی واحد باز می‌گردند که همان واسطه‌گری برای وقوع رشا و ارتشا است. البته سند این حدیث را ضعیف شمرده‌اند. (نجفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۰)

۲.۲. احادیث با لفظ یمشی

وَقَالَ (ص): «لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ. وَ مَنْ بَيْنَهُمَا يَمْشِي».^۱ (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۶۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷، ص ۳۵۵)^۲ پیامبر (ص): فرمود خداوند رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و رابط بین این دو را لعنت کرده است. (رک: بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۴۳) بعضی این حدیث را هم مرسل و ضعیف دانسته‌اند. (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۷۸)

۳.۲. حدیث با لفظ «الْمَغْزِي»

روایت با لفظ مغزی تنها به یک صورت نقل شده است: عن ابن عمرو عن نبی (ص): أنه لَعَنَ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ. وَالْمَغْزِيَّ الَّذِي يَسْعَى بَيْنَهُمَا.^۳ (متقی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۸۲۵) پیامبر خدا (ص): خداوند رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و دلال میان آن دو را لعنت کرده است. (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۶۶) در پاورقی مرجع این حدیث به کتب اهل سنت از جمله سنن الترمذی و مسند احمد بن حنبل می‌باشد که مبسوط آن در بخش بررسی روایت در کتب اهل سنت خواهد آمد.

۴.۲. حدیث با لفظ «رَائِش»

در منابع حدیثی شیعه، تنها یک روایت با لفظ «رأش» به کار رفته است که توسط ابن بابویه در کتاب الإمامة والتبصرة من الحيرة و در کتاب جامع الأحادیث جعفر بن احمد بن رازی نقل شده است. این روایت تنها حدیث مرتبط با موضوع «رأش» در کتب حدیثی شیعه است که دارای سلسله راوی می‌باشد. با توجه به اهداف

۱. (لینک کوتاه حدیث: <http://noo.rs/laZGB>)

۲. مشابه این حدیث در منبعی دیگر: لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِيَّ وَالْمُرْتَشِيَّ وَالرَّائِشَ الَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُمَا (خوش نصیب، ۱۳۸۹،

ص ۶۱۸؛ متقی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۱۴).

۳. (شناسه حدیث: ۱۴۴۹۵)

نگارشی این متن که بررسی ضرورت جرم‌انگاری «ریش» است، تحلیل دقیق و بررسی رجالی این حدیث ضروری به نظر می‌رسد. علاوه بر این، لازم است این حدیث و احادیث مشابه مرتبط با «جرم ریش» در کتب حدیثی اهل سنت نیز مورد مطالعه قرار گیرد. بر این اساس، ابتدا متن حدیث مورد نظر و ترجمه آن آورده خواهد شد؛ سپس تحلیل رجالی حدیث ارائه می‌گردد و در پایان، این احادیث در منابع حدیثی اهل سنت بررسی خواهد شد.

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (ع) قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): الرِّيشُ وَالْمُرْتَشِي. وَالرَّائِشُ بَيْنَهُمَا مَلْعُونُونَ. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ص ۳۷؛ ابن رازی، ۱۳۸۷، ص ۹۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۲۷۴) رسول خدا (ص) فرمود: «رشوه‌دهنده، رشوه‌گیرنده و رشوه‌گیرنده رابط بین این دو، همه ملعون هستند» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۴۳).

کتاب الإمامة والتبصرة من الحيرة یکی از کتب معتبر روایی شیعه است؛ نویسنده آن، علی بن حسین بن موسی بن بابویه القمی (متوفی ۳۲۹ق) از فقها و محدثان برجسته شیعه و مرجع دینی مردم قم بوده است. وی پدر حسین بن علی بن بابویه و شیخ صدوق و از ناقلان حدیثی متقدم شیعه به شمار می‌آید، چراکه بسیار به عصر معصومین (ع) نزدیک بوده است و در کتب مختلف بسیاری توثیق شده‌اند. (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۱) روایات نقل شده در این کتاب از اعتبار بالایی برخوردارند؛ با این حال، به دلیل اهمیت موضوع و ویژگی خاص این روایت، بررسی رجالی آن ضروری است؛ لذا روات آن به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرند:

۱.۴.۲. مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ

عبدالله بن جعفر حمیری، عالم و محدث شیعی سده سوم و چهارم هجری، صاحب اثر مشهور قرب الإسناد است. که در دوران امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) می‌زیستند و دوره غیبت صغری امام زمان (عج) را درک کرده‌اند و از مشایخ بزرگ قم بودند؛ ایشان در نقل حدیث ثقه معرفی شده‌اند. (تفرشی، ۱۳۷۷، ج ۴،

۱. این حدیث در کتاب جامع الاخبار هم ذکر شده است (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۳۰، ص ۱۴۲). البته ایشان به کتاب جامع الأحادیث ارجاع داده‌اند. (شناسه حدیث: ۲۸۹۷۸۲ لینک کوتاه: <http://noo.rs/xkjft>)

ص ۲۴۵) البته احتمال دیگری هم وجود دارد که محمد بن عبدالله پسر عبدالله بن جعفر حمیری باشد که این شخص هم شیعه دوازده امامی و ثقه می باشد. (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۳۵۵)

۲.۴.۲. مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ

این فرد در واقع ابوعلی، محمد بن محمد بن اشعث کوفی از راویان شیعه است که در قرن سه و چهارم هجری می زیستند. از این محدث آثار ارزشمندی چون جعفریات بر جای مانده است و در کتب رجال شیعه ثقه معرفی شده است. (نجاشی، ۱۳۷۶، ص ۳۷۹)

۳.۴.۲. مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

معروف به امامزاده اسماعیل بن موسی از فرزندان امام کاظم (ع) از محدثان شیعه در قرن دوم و سوم هجری قمری است. از این امامزاده هم آثار ارزشمندی چون جعفریات به جای مانده است. پسر ایشان موسی از پدرش اقدام به نقل قول کرده است و امامزاده اسماعیل بن موسی از پدرشان امام موسی کاظم (ع) و امام معصوم هم از ائمه پیشین تا به خود پیامبر اعظم (ص) نقل قول کرده اند.

در مورد وثاقت این فرد، برخی از علمای علم رجال ایشان را مجهول الحال معرفی کرده اند که در مورد وی نه مدحی نقل شده است و نه جرحی. (بحرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶۰) اما بعضی دیگر ایشان را با ادله متقن توثیق نموده اند و همچنین ایشان را عالم، فاضل و فقیه معرفی نموده اند. (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۱) این صحیح است که در منابعی که شیخ بحرانی معرفی کردند اسماعیل بن موسی مجهول الحال است اما ادله وثاقتی که در الفوائد الرجالية ذکر شده است، به طور کامل این اجمال را برطرف می کند؛ لذا این فرد هم مورد وثوق است.

در مورد دو روای آخر حدیث جناب ابومحمد هارون بن موسی بن احمد تلعبری (متوفی ۳۸۵ ق) از محدثان نامدار امامیه در قرن چهارم هجری قمری فرموده اند که من، پدرم و برادرم در سال ۳۱۳ هجری از محمد بن محمد بن الأشعث اجازه نقل روایت دریافت کردیم. (طوسی، ۱۳۷۴، ص ۴۴۲) اما برخی از علما به طور کلی

تمام سلسله روایات حدیث را مقبول و حدیث مربوط را معتبر دانسته‌اند.^۱ (سیفی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۰)

۵۲. احادیث مرتبط با ریش در کتب اهل سنت

احادیث مرتبط با موضوع رایش نه تنها در منابع شیعه بلکه در کتب اهل سنت نیز نقل شده‌اند و حتی برخی از علمای شیعه نیز در نقل‌های خود به این منابع اهل سنت ارجاع داده‌اند؛ برای نمونه، ابن ابی جمهور احسائی در کتاب عوالم اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة (ج ۱، ص ۲۶۶) و فخرالدین بن محمد طریحی در مجمع البحرین (ج ۲، ص ۱۸۴) به این موضوع پرداخته‌اند. احادیث باب رایش در کتب اهل سنت مانند کتب شیعه با الفاظ مختلف نیست بلکه پس از جست‌وجو در کتب حدیثی اهل سنت، تنها در دو کتاب، به احادیثی اشاره شده است که به طور مشخص لفظ "رائش" در آن‌ها به کار رفته است و سایر کتب اهل سنت از این دو منبع نقل قول کرده‌اند: حدیثنا الأسود بن عامر، حدیثنا أبو بکر یعنی ابن عیاش، عن لیث، عن أبی الخطاب، عن أبی زرعة، عن ثوبان قال: "لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الراشي والمرثی والرائش" یعنی: الذی یمشی بینهما.^۲ (أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۳۷، ص ۸۵) در پاورقی در مورد اعتبار حدیث گفته شده است: «این حدیث صحیح است، در صورتی که لفظ «والرائش» در آن وجود نداشته باشد و به طور کلی سند به این حدیث ضعیف است،^۳ زیرا لیث بن ابی سلیم ضعیف شمرده شده

۱. «هذه الرواية معتبرة؛ لأن سهل بن أحمد الديباجي لا بأس به، كما شهد بذلك النجاشي وأما ابن الغضائري فهو وإن ضعفه و لكن استثنى من رواياته ما رواه عن محمد بن الأشعث فحكم باعتباره و رواها في عوالي اللآلي وفي المستدرک» ترجمه: این روایت معتبر است؛ زیرا سهل بن احمد دیباجی، از نظر رجالی اشکالی ندارد، همان‌گونه که نجاشی بر این امر گواهی داده است. اما ابن غضائری اگرچه او را تضعیف کرده است، اما روایاتی را که از محمد بن اشعث نقل کرده، استثنا نموده و به اعتبار آن‌ها حکم کرده است.

۲. (المکتبة الشاملة، شناسه حدیث: ۲۲۳۹۹ لینک کوتاه: <https://shamela.ws/book/25794/18591#p1>).

۳. حدیث ذکر شده در مسند احمد بن حنبل که دارای سلسله سند صحیح و معتبر است، به شرح زیر است. این حدیث علاوه بر مسند احمد، در دو کتاب دیگر از صحاح سته نیز نقل شده و در هر مورد، صحت آن تأیید و سلسله سند آن تصدیق شده است: حدیثنا وکیع، حدیثنا ابن أبی ذئب، عن خاله الحارث بن عبدالرحمن، عن أبی سلمة بن عبدالرحمن، عن عبدالله بن عمرو، قال: "لعن رسول الله صلى الله عليه وسلم الراشي والمرثی" إسناده قوى، رجاله ثقات رجال الشيخين، غير الحارث بن عبدالرحمن، فقد روى له أصحاب السنن، وقال أحمد والنسائي: ليس به بأس، وذكره ابن حبان في "الثقات"، وقال الذهبي وابن حجر: صدوق. وقال ابن معين - فيما نقله عنه

و در روایت این حدیث دچار اضطراب شده است. شیخ او، أبو الخطاب، نامش به طور کامل مشخص نیست و جز لیث، هیچ کس دیگری از او روایت نکرده، بنابراین او مجهول است. همچنین أبوزرعة (یعنی یحیی بن ابی عمرو السیبانی) روایتش از ثوبان مرسل است؛ زیرا بین او و ثوبان، أبو ادریس الخولانی واسطه بوده است.

این حدیث با همان سلسله سند در مسند البزار البحر الزخار ذکر شده است^۱ و در مورد اعتبار سند حدیث گفته شده: این حدیث، در عبارتی که می گوید «والرائش» از هیچ طریقی از رسول خدا (ص) نقل نشده است مگر از همین طریق. به همین دلیل آن را نوشتیم و توضیح دادیم که این حدیث از لیث بن ابی سلیم، از ابی زرعة، از ابی ادریس نقل شده است. (العتکی، ۱۹۸۸ق، ج ۱۰، ص ۹۷) حتی علمای متأخر اهل سنت هم این حدیث را جزو احادیث ضعیف ذکر کرده اند.^۲ (الدین الألبانی، ۱۴۳۴، ص ۶۷۵)

۶.۲. نتیجه بررسی رجالی احادیث

روایات جمع آوری شده تمام ادله مرتبط با جرم ریش است. سخن فقها و علما پیرامون احادیث مربوطه تماماً به سمت جرح و تنقیص این روایات است نه تعدیل آنها. برای نمونه علمای فقه به کرات تمام احادیثی که با لفظ ماشی به کار رفته اند را مرسله عنوان کرده اند. (نجفی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۱) و برخی تمامی احادیث مشابه را مرسله توصیف کرده اند، حال از هر طریقی که روایت شده باشند. (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۸، ص ۲۹۱) بعضی دیگر سند تمام روایات مشابه را ضعیف توصیف نموده اند. (انصاری، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۱۰) عدّه کثیری هم بر این ضعف صحه گذاشته اند و بیان نموده اند هیچ راهی برای جبران این ضعف وجود ندارد. (اعرافی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۸۰) البته نباید حکمی کلی را به یک باره و بدون کاوش صادر نمود؛ همان گونه که نگارنده

الذهبی فی "السیر" ۱۴۷/۷ :- کل من روی عنه ابن أبی ذئب فثقة، إلا أبا جابر البیاضی. ابن أبی ذئب: هو محمد بن عبدالرحمن بن المغيرة بن... (أحمد بن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۱۱، ص ۸۷؛ الترمذی، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۱۶؛ القزوينی، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۴۱۱).
۱. (المکتبة الشاملة لینک کوتاه: <https://shamela.ws/book/12981/4537#p2>)
۲. (المکتبة الشاملة، رقم حدیث ۴۶۸۴، لینک کوتاه: <https://shamela.ws/book/1663/4648#p1>)

روایتی صحیح را از میان روایات مرتبط یافت؛ پس بدون بررسی جزئی و دقیق نمی‌توان حکمی کلی صادر نمود. اما روایت ابن بابویه به‌طور مشخص توسط محمد سعید طباطبایی مرسل عنوان شده است. (طباطبایی حکیم، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۲۹۹) با بررسی دقیق رجالی که صورت گرفت، مشخص شد این حدیث از روات ثقه و شیعه دوازده‌امامی و متصل به امام معصوم (ع) نقل شده است؛ لذا روایت از نظر سندی صحیح است. حتی به دلیل احادیث مرتبط و هم‌معنایی که پیرامون این روایت مطرح شد، می‌توان این حدیث را در حد مستفیض دانست. این احادیث تمام ادله فقهی جرم‌انگاری فعل ریش هستند. این‌که این ادله چه میزان در تقنین کیفری قانون‌گذار ما مورد توجه قرار گرفته است، مبحثی است که در قسمت بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳. تطبیق آورده‌های فقهی - حدیثی با بُعد حقوقی

مطابق ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات، رفتار فیزیکی رایش به‌طور مشخص به «فراهم آوردن موجبات تحقق جرم ارتشا» محدود شده و مجازات وی نیز، بر حسب مورد در حکم مجازات راشی قرار گرفته است. بررسی کامل فقهی این رفتار و مجازات تعیین شده مستلزم پاسخ به سؤالات ذیل است:

اولاً، جرم‌انگاری مستقل و تعیین مجازات راشی برای یک نوع معاونت در جرم (با وجود مواد عمومی جرم‌انگاری معاونت)، در واقع نوعی تشدید مجازات محسوب می‌شود. با توجه به این‌که در تقنین کیفری اصل بر حداقل نمودن و مضیق نمودن کیفرها، مگر برای جرایم مهم و مخرب اجتماعی است، آیا ادله فقهی و حدیثی بیان شده توجیه‌کننده این مجازات هستند؟

ثانیاً، به فرض جرم‌انگاری مستقل این جرم با منابع فقهی - حدیثی اثبات گردد، آیا این ادله رفتار فیزیکی رایش را «فراهم نمودن موجبات تحقق جرم ارتشا» تعبیر می‌کنند یا معنای اصطلاحی رایش متفاوت از بعد حقوقی آن است؟ در صورت تفاوت فارق میان تعبیر فقهی - حدیثی با تعبیر حقوقی از نظر مصادیق خارجی چیست؟ چه میزان محدود نمودن این رفتار به جرم ارتشا با بعد فقهی آن منطبق است؟

ثالثاً، در مورد مجازات رایش، محدود نمودن محکومیت وی صرفاً به مجازات «راشی» چه میزان با ادله فقهی-حدیثی یافت شده تطابق دارد؟

۱۳. توجیه فقه الحدیثی تشدید مجازات

در اینجا بیشتر بحث، حول محور حدیث ابن بابویه می‌گردد. جرایم موجود در حدیث با واو عطف به یکدیگر مرتبط شده‌اند. در پایان حدیث، لفظ «مَلْعُونُونَ» به کار رفته است. ملعونون اسم مفعول (ملعون) و جمع سالم لعن است؛ لعن به معنای الإِبْعَادُ (مهنا، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۵۰۹) و طرد به کار رفته است. (نجار، ۱۹۸۹م، ج ۲، ص ۸۲۹) این مبحث اختلافی است که آیا لعن دلالت بر حرمت می‌کند یا کراهت؛ برخی از علما لعن را به طور مطلق دال بر کراهت می‌دانند. (شهیدی، محمدتقی، درس خارج اصول ۱۴۰۰/۱۰/۰۴) اما برخی دیگر با بررسی اقوال موجود در مسئله بیان نموده‌اند: «از عبارات فقها در عصور گوناگون استفاده می‌شود که دلالت لعن بر حرمت از امور مسلم در بین اکثر آن‌ها است؛ بلکه این موضوع به حدی روشن بوده که آن را بی‌نیاز از دلیل می‌دانسته‌اند. از این رو است که در موارد فراوانی در آثار محققان و فقها به روایات دال بر لعن، استدلال و به حرمت فتوا داده شده است و بلکه برخی لعن را صریح در حرمت دانسته‌اند. از معنای لغوی این واژه نیز حرمت استفاده می‌شود. همچنین بررسی موارد استعمال لعن، مخصوصاً در قرآن کریم، ظهور این واژه در حرمت را تقویت می‌کند.» (جعفری، ۱۳۹۸)

دلایل هر دو قول وجیه به نظر می‌رسد، اما مصادیق هر کدام از اقوال متفاوت است. به نظر می‌رسد باید قائل به تفصیل شد. یعنی در مواردی که قرینه وجود دارد، لعن را دال بر حرمت دانست. در مانحن‌فیه با توجه به این که رشوه بر اساس سنت، اجماع و عقل حرام است. (صدر، ۱۴۲۷، ج ۱۲، ص ۷۰) بلکه اتفاق مسلمین بر حرمت آن وجود دارد (موسوی خوانساری، ۱۳۵۵، ج ۶، ص ۱۸) لذا جرایم مرتبط با آن که مستقیماً سبب اکل رشوه می‌شوند نیز باید حرام باشند. با توجه به این قرینه می‌توان گفت لعن در این روایت دلالت بر حرمت دارد. لف ونشر جمع مَلْعُونُونَ به طور مساوی به هر سه عمل مذکور در روایت که به یکدیگر عطف شده‌اند، تسری پیدا می‌کند و هیچ تفاوتی میان میزان لعن برای «مرثشی»، «راشی» و «رایش» وجود ندارد؛ بنابراین، شدت

حرمت فعل «رایش» همانند دو فعل دیگر بوده و از منظر روایت، فساد ایجاد شده توسط هر سه عمل به یک اندازه دارای اهمیت و محکومیت است؛ لذا در صورتی که بخواهد جرم‌انگاری مستقلى در مورد ریش صورت گیرد، این احادیث توجیه‌کننده آن هستند.

۲.۲. رفتار فیزیکی جرم ریش

برای یافتن فارق بین رایش در احادیث و قانون تعزیرات، لازم است دامنه شمول هر یک توضیح داده شود. این موضوع از این حیث دارای اهمیت است که در مورد قانون فعلی هم اختلاف نظر وجود دارد که دامنه شمول ماده ۵۹۳ تا چه میزان ما را از رجوع به مواد عمومی بی‌نیاز می‌کند؟ توضیح آن که همان‌طور که بیان شد، رایش نوعی معاونت در تحقق جرم ارتشا است،^۱ باید توجه داشت که صدر ماده ۵۹۳ ق.م.ا، قاعده عام با عنوان «فراهم آوردن موجبات تحقق جرم ارتشا» را بیان می‌کند. سپس برای تبیین این قاعده کلی، برخی مصادیق به صورت تمثیلی ذکر شده‌اند؛ بنابراین، هر نوع معاونتی که به نحوی موجبات ارتشا را فراهم آورد، مشمول عنوان «رایش» خواهد بود. چنانچه تمام انواع معاونت در این عنوان مستتر باشند، مبنای تعیین مجازات صرفاً ماده ۵۹۳ خواهد بود؛ در غیر این صورت، باید برای تشخیص مجازات معاون، به مواد عمومی جرم‌انگاری معاونت مراجعه کرد.

بر همین اساس، بررسی مصادیق معاونت مندرج در ماده ۱۲۶ قانون مجازات اسلامی ضرورت دارد؛ چراکه «مصادیق معاونت در جرم انحصاری است و نه سلیقه‌ای و در اختیار مراجع قضایی نیست» (گلدوزیان، ۱۴۰۰، ص ۳۸۸) افزون بر این، «در تحقق جرم معاونت، دادگاه باید نوع فعل یا افعال مادی معاونت را در ضمن حکم معلوم کند» (اردبیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷) بر همین مبنا، چنانچه معاونت ساده‌ای نیز در جرم ارتشا محقق شود، باید با دقت در مصادیق مندرج در ماده ۱۲۶ ق.م.ا بررسی گردد تا مشخص شود آیا این رفتار در شمول عنوان «رایش» قرار می‌گیرد یا تنها به عنوان معاونت ساده در جرم ارتشا محسوب می‌گردد.

۱. نظریه: ۷/۹۷/۳۱۶۹ مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۳ اداره کل حقوقی قوه قضائیه و نظر هیئت عالی نشست قضایی استان خراسان رضوی/ شهر مشهد، کد نشست: ۱۴۰۳-۱۰۸۹۸، مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۰۲.

۱۲.۳. بررسی مصادیق بند الف ماده ۱۲۶

الف) ترغیب: از کلمه رغبت و نوعی تحریک است که از معانی نزدیک به آن، تحریص و تشویق است. (مستفاد از: اردبیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷) ترغیب آن است که شخصی با تشویق دیگری به ارتکاب جرم، در وی شوق، میل و رغبت ارتکاب جرم را ایجاد کند. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۳) تطمیع به نوعی اخص از ترغیب است چراکه تطمیع رغبت مالی به ارتکاب جرم ایجاد می‌کند و ترغیب ایجاد رغبت اعم از مادی و معنوی است. (مصدق، ۱۳۹۹، ص ۳۷۹) تحریص نیز قریب به همین مضمون به معنای به آزار افکندن و به ولع آوردن است. (اردبیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۹) بنابراین، اعمالی چون تطمیع، تشویق و تحریص را می‌توان ذیل عنوان کلی «ترغیب» در ارتکاب ارتشا طبقه‌بندی کرد که هر یک، به نوعی فراهم‌کننده موجبات تحقق جرم محسوب می‌شوند.

ب) تهدید: به معنای واداشتن دیگری به ارتکاب جرم به وسیله ترساندن وی نسبت به جان، ناموس، مال، آبرو یا حیثیت او یا دیگری است. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳) چنانچه شخصی، دیگری را به واسطه تهدید، به ارتکاب ارتشا سوق دهد، این نیز در زمره موجبات تحقق جرم محسوب می‌شود.

ج) تحریک به معنای برانگیختن و به حرکت درآوردن است (گلدوزیان، ۱۴۰۰، ص ۳۹۹) در این قالب، هرگاه شخصی فردی را به گونه‌ای برانگیزد که وی به ارتکاب ارتشا مبادرت ورزد، عمل وی نیز مشمول معاونت از طریق فراهم آوردن موجبات تحقق جرم خواهد بود.

د) دسیسه و فریب و سوءاستفاده از قدرت: فریب و نیرنگ مترادف و به معنی خدعه و مکر و حيله است. به طوری که اگر خدعه و مکر و حيله به طور پنهانی صورت گیرد آن را دسیسه می‌گویند. (گلدوزیان، ۱۴۰۰، ص ۴۰۳) و سوءاستفاده از قدرت اشاره به مواردی است که نفوذ معنوی کسی بر روی دیگری که ناشی از رابطه استخدامی، خویشاوندی و نظیر آن‌ها است، به وی این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری ناروا از موقعیت خود، شخص تحت نفوذ خود را به سوی ارتکاب جرم بکشاند. (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۶) دسیسه، فریب و سوءاستفاده از قدرت با

حرف عطف تفسیری (یا) به یکدیگر پیوند خورده‌اند و معاونت از طریق آن‌ها، مشروط به تحقق جرم است؛ نکته‌ای که مدخل بحث حاضر به شمار می‌آید.

۲.۲.۳. مصادیق بند ب و پ ماده ۱۲۶

تهیة وسیله ارتکاب جرم: وسیله به هر نوع ابزار و آلات نظیر اسلحه، سم، طناب و مکان که برای ارتکاب جرم ساخته و مهیا شده است، اطلاق می‌گردد. (اردیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳)

ارائه طریق ارتکاب جرم: یعنی شخص با علم به قصد مجرمانه دیگری، راه‌وروش ارتکاب آن را با راهنمایی، آموزش، دلالت و به هر نحو ممکن به دیگری نشان دهد، چنان‌که او را در وصول به مقصد خود کمک نماید. (اردیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۳)

تسهیل وقوع جرم: تسهیل به معنای آسان کردن و مقصود از تسهیل وقوع جرم رفتاری است که وقوع جرم را خواه با تأثیر بر ارتکاب، خواه با برداشتن موانع آن ممکن گرداند. (اردیلی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۵) با توجه به بررسی انجام شده این نتیجه محرز گشت که با اعمال قاعده گفته شده در ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات، هر کدام از مصادیق معاونت موجود در ماده ۱۲۶ ق.م.ا به وقوع پیوند، فاعل آن رایش خواهد بود؛ یعنی تمامی معاون‌های جرم ارتشا، مصداق جرم‌انگاری ماده ۵۹۳ می‌باشد؛ لذا امکان ندارد فردی را هم به مجازات معاونت در جرم ارتشا محکوم کرد و هم به مجازات جرم ماده ۵۹۳. (نمونه خوب این استدلال دادنامه قطعی شماره ۹۴۰۹۹۷۲۱۳۱۳۰۰۱۶۶ مورخ ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ می‌باشد: [...]) با وجود عنوان مستقل مجرمانه فراهم نمودن موجبات تحقق ارتشا (وساطت در ارتشا) برای رفتار موصوف دادگاه نمی‌تواند آن را مشمول قواعد عام معاونت در ارتشا نیز قلمداد نماید و مرتکب را بر این اساس مجازات کند). در مورد بُعد فقهی رفتار فیزیکی جرم ریش، برای فهم عبارات شارع مقدس به ناچار باید به قول لغویون مراجعه نمود. در ابتدای پژوهش یافتیم معنای اصطلاحی رایش در کتب لغت‌شناسی و مطابق روایات، «واسطه‌گری» می‌باشد. واسطه‌گری به معنای دلالی یا میانجی‌گری است. (دهخدا، ۱۳۹۰، ص ۳۱۱۴) و واسطه همان دلال معاملات است. (لنگرودی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۳۷۲۸)

در توضیح این رفتار فیزیکی باید گفت مهم‌ترین رکن واسطه‌گری این است که

باید دو طرف مجزا وجود داشته باشند تا واسطه وقوع هر دو جرم را با مثلاً دادوستد وجه مورد معامله انجام دهد. در غیر این صورت واسطه‌گری مفروض نخواهد بود. این مهم با مشاهده سایر قوانین هم قابل درک است. مثلاً در ماده ۱ قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی (مصوب ۱۳۸۳) آمده است: «عملیات بانکی در این قانون به امر واسطه‌گری بین عرضه‌کنندگان و متقاضیان وجوه و اعتبار به صورت ... اطلاق می‌شود» حال در زمینه جرایم و مجازات‌ها، در صورتی که دو جرم مجزا وجود داشته باشد که فردی میانجی‌گری یا دلالی در تحقق هر دو جرم را می‌نماید، قانون‌گذار از لفظ واسطه‌گری برای تعیین معاونت خاص در این دو جرم و تعیین مجازات آن استفاده می‌کند.

این موضوع در قوانین جزایی دارای سابقه است. برای مثال هر شخصی که واسطه‌گری معامله، با موضوع اطفال و نوجوانان نماید، در صورتی که این کار را حرفه خود قرار داده باشد دارای مجازات خاص بوده و اگر حرفه خود قرار نداده باشد، به مجازات معاون در جرم محکوم می‌گردد. (تبصره ماده ۱۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹) در این تبصره به قرینه پایان تبصره، معاونت در جرم از واسطه‌گری در آن تفکیک شده است. برای تحقق آن نیز حتماً باید دو طرف معامله وجود داشته باشد در غیر این صورت واسطه‌گری بی‌معنا خواهد بود. در ماده ۱۲۶ ق.م.ا، واسطه‌گری در جرم به عنوان نوعی از معاونت مورد تصریح قرار نگرفته است؛ اما با تدقیق در مصادیق گفته شده در این ماده می‌توان تسهیل وقوع جرم را با واسطه‌گری قابل تطبیق دانست. در ضمن در همین مصداق هم رابطه تسهیل وقوع جرم با واسطه‌گری، عموم و خصوص مطلق است. مثال‌های مانند کیف‌کشی، کمک و دستیاری مرتشی (در صورت عدم وجود یا عدم مساعدت راشی) از نمونه‌های تسهیل وقوع جرم هستند که واسطه‌گری در وقوع جرم محسوب نمی‌شوند. در مورد سایر مصادیق معاونت، برای مثال ترغیب، تحریک، تحریص و... در هر دو طرف را شاید بتوان واسطه‌گری نامید اما این مصادیق در ماده ۱۲۶ ق.م.ا معطوف به وجود دو جرم نیستند. به علاوه همگی در نهایت نوعی تسهیل وقوع جرم تعبیر خواهند شد که تعریف آن گذشت.

بنابراین، در مانحن فیه دو فعل حرام رشا و ارتشا وجود دارد که شارع مقدس واسطه‌گری میان هر دوی این جرایم را به عنوان نوعی معاونت خاص تعیین نموده که حرمتی هم سنگ جرایم منشأ خود را دارد اما شامل تمامی مصادیق معاونت در جرم رشا یا تمام مصادیق معاونت در جرم ارتشا نمی‌شود.

۳-۳. مجازات جرم ریش

در تعیین مجازات، مطابق بعد فقهی و روایات بیان شده، راشی، مرتشی و رایش همگی به یک اندازه ملعون‌اند و مجازات آن‌ها نیز می‌تواند برابر با یکدیگر تعیین گردد، اما مطابق اصل شخصی بودن مجازات‌ها و با توجه به جرم دارای وصف بودن ارتشا، تشدید مجازات مرتکبین آن نسبت به جرم رشا مطابق اصول جرم‌شناسی است. اما در مورد جرم ریش چطور؟ به نظر می‌رسد با توجه به نقش کلیدی و مُعد وی در ایجاد روابط بین راشی و مرتشی و سایر علل بیان شده، مجازات ارتشا برای وی مناسب‌تر باشد، اگرچه در قانون فعلی مجازات راشی برای مرتکب آن در نظر گرفته شده است.

اما در ماده ۲۰۷ لایحه تعزیرات مجازات این معاونت خاص در حکم مجازات مرتشی قرار گرفته است که یعنی مجازات ماده ۲۰۰ لایحه برای رایش اعمال خواهد شد. درست مشابه کاری که در ماده ۱۰۷ مکرر قانون عقوبات مصر صورت گرفته است و دقیقاً برخلاف کاری که قانون‌گذار عراق در ماده ۳۱۰ قانون عقوبات خود انجام داده که مشابه قانون فعلی تعزیرات است. به نظر می‌رسد مجازات سنگین‌تر مرتشی مناسب‌تر از مجازات راشی است؛ چراکه مجازات راشی موجود در خود لایحه تعزیرات احاله‌ای به مجازات مرتشی با یک درجه تخفیف است پس در ماده ۲۰۷ هم نهایت می‌توان درجه‌ای مجازات را تخفیف داد. همچنین از نظر پیشگیری واکنشی، مجازات مرتشی دارای بازدارندگی لازم برای افراد ناکرده بزه است.

نتیجه‌گیری

با مطالعه منابع فقهی جرم ریش متوجه می‌شوید که ادله این جرم محدود به سنت و احادیث مرتبط است. احادیث مرتبط با ریش معمولاً بدون سند بوده و در کتب

فقهی مرسل توصیف شده‌اند به جز حدیث ابن بابویه که در این مقاله از نظر رجالی بررسی شد. همه افراد موجود در سلسله راویان این حدیث مورد تأیید علمای علم رجال بوده و وثاقت آنان به اثبات رسیده است. بر این اساس سه شرط مورد نیاز برای صحیح بودن یک حدیث در این سند وجود دارد یعنی راویان آن ثقة هستند به علاوه شیعه دوازده امامی بوده و در نهایت حدیث متصل به زمان معصوم است؛ لذا این حدیث صحیح و قابل اعتماد است. در مورد این سلسله راوی هم در کتاب الامامة والتبصرة من الحيرة و هم در جامع الحادیث، بیش از ۲۴ حدیث در مورد موضوع‌های مختلف اخلاقیات^۱، آداب زندگی^۲ و معاشرت و احادیث مهمی پیرامون باب رهن^۳ بیان شده است که با همین بررسی رجالی صحیح بودن این احادیث هم تأیید می‌گردد.

رایش به عنوان معاونت خاص در جرم رشا و ارتشا، شخصی است که واسطه‌گری در این دو جرم را انجام می‌دهد. روایات مرتبط با «رایش» مخصوصاً روایت مستفیض ابن بابویه، به روشنی بر لزوم جرم‌انگاری جرم ریش دلالت دارند. در چارچوب فقه، نهی شدیدی که در این زمینه وجود دارد، عمل «رایش» را از سایر موارد معاونت در جرایم متمایز می‌کند. نقش کلیدی این عمل در تسهیل وقوع جرایم رشا و ارتشا، اهمیت توجه ویژه قانون‌گذار به این جرم و لزوم جرم‌انگاری آن را نمایان می‌کند. به همین دلیل، قانون‌گذار در ماده ۵۹۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ به درستی جرم‌انگاری این فعل را مورد توجه قرار داده است. درست است که این ماده تمام مصادیق رایش را شامل می‌شود. ولی دارای گستردگی است که از مبانی فقهی آن به دست نیامده است. این مفروض که تعداد زیادی از علمای حقوق این ماده را با فعل رایش منطبق نموده‌اند غیر قابل انکار است اما به نظر می‌رسد قانون‌گذار توجه چندانی به مبانی فقهی این جرم نداشته است بلکه تنها خواسته است معاونت در جرم ارتشا را (و نه رشا و ارتشا را با هم) به شیوه خاصی که خود

۱. برای نمونه: «الرَّفَقُ كَرَمٌ، وَالْجَلَمُ زِينٌ، وَالصَّبْرُ خَيْرٌ مَرَكَبٍ».

۲. برای نمونه: «زَاخَةُ النَّوْبِ ظُهُوٌّ وَ زَاخَةُ الْبَيْتِ كَلْسَةٌ».

۳. برای نمونه: «الرَّهْنُ يُرَكَّبُ إِذَا كَانَ مَرْهُونًا، وَ عَلَى الَّذِي يَرْكَبُ الظَّهْرَ نَفَقَتُهُ».

صلاح می‌دانسته جرم‌انگاری نماید.

به‌طور کلی با توجه به پیشینه فقهی این جرم، در صورت تغییر قانون تعزیرات، جرم‌انگاری مستقل این نوع معاونت، توجیه فقهی قوی دارد. اما بازهم مقنن در ماده ۲۰۷ لایحه تعزیرات از ترکیب (موجب تحقق) استفاده نموده است که تمامی موارد معاونت را شامل می‌شود. این ترکیب ارتباطی با بحث فقهی آن ندارد و بهتر آن است که در این ماده به صراحت از لفظ واسطه‌گری استفاده شود، چراکه واسطه‌گری خود دارای بار معنای کامل است که در قوانین جرم‌انگاری آن دارای سابقه است؛ لذا نباید آن را با ترکیبی دیگر جایگزین کرد و در نهایت بهتر آن است که مجازات این جرم در حکم مرتشی قرار گیرد. کاری که به درستی توسط اداره حقوقی در لایحه تعزیرات به روش احاله‌ای صورت گرفته است.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقایی نیا، حسین؛ رستمی، هادی. (۱۴۰۳ش). جرایم علیه مصالح عمومی کشور. تهران: میزان.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین؛ مرعشی، شهاب الدین؛ عراقی، مجتبی. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. قم: انتشارات مؤسسه سیدالشهدا (ع).
۴. ابن اثیر، مبارک بن محمد؛ زاوی، طاهر احمد؛ طناحی، محمود محمد. (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر. قم: اسماعیلیان.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین. (۱۴۰۴ق). الامامة و التبصرة من الحیرة. بی‌جا: مدرسه امام مهدی (عج).
۶. ابن حنبل، أحمد. (۱۴۲۱ق). مسند أحمد بن حنبل، (محقق: شعیب الأرئوط و آخرون). بیروت: مؤسسة الرسالة.
۷. ابن رازی، جعفر بن احمد؛ مصحح: حسینی نیشابوری، محمد. (۱۳۸۷ش). جامع الأحادیث. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۸. ابن معروف، محمد بن عبد الخالق. (بی‌تا). فرهنگ کنز اللغات، (تصحیح رضا علوی نصر). تهران: المكتبة المرتضوية.
۹. اردبیلی، محمد علی. (۱۴۰۴ش). حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
۱۰. اعرافی، علیرضا. (۱۴۰۰ش). مکاسب محترمه. قم: موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۱۱. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۳۷۲ش). عمدة المطالب فی التعليق علی المكاسب. (با

تعلیقات تقی طباطبایی قمی). قم: محلاتی.

۱۲. بحرالعلوم، محمد مهدی بن مرتضی. (۱۳۶۳ش). رجال السيد بحر العلوم «المعروف بالفوائد الرجالية». قم: مكتبة الصادق (ع).

۱۳. بحرانی، سلیمان بن عبدالله. (۱۴۱۲ق). معراج اهل الكمال الى معرفه الرجال. بی جا: نشر عبدالزهر العویناتی.

۱۴. بروجردي، آقا حسین؛ اسماعیل تبار، احمد؛ حسینیان قمی، مهدی؛ حسینی، احمد رضا؛ مهوری، محمد حسین؛ حسین آبادی، نظر علی؛ معزی ملایری، اسماعیل. (۱۳۸۶ش). منابع فقه شیعه: ترجمه جامع احادیث الشیعه. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.

۱۵. بصره جی، سایر. (۲۰۰۹م). معجم مصطلحات الفاظ الفقه الإسلامی. دمشق: صفحات للدراسات و النشر.

۱۶. ترمذی، محمد بن عیسی (أبو عیسی). (۱۹۹۶ق). الجامع الكبير (سنن الترمذی). بیروت: دار الغرب الإسلامی.

۱۷. تفرشی، مصطفی بن حسین. (۱۳۷۷ش). نقد الرجال. مشهد: نشر مؤسسه آل بیت (ع) لإحياء التراث.

۱۸. جعفری، علی؛ دهقان، مصطفی. (۱۳۹۸ش). ارزیابی دلالت واژه «لعن» بر تحریم. پژوهش های فقهی تا اجتهاد، ۳ (۶)، ۱۴۹-۱۶۶.

۱۹. حسنی بیرجندی، حسین؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۷۹ش). غریب الحديث فی بحار الأنوار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۰. حمیری، نشوان بن سعید؛ عمری، حسین؛ اریانی، مطهر بن علی؛ عبدالله، یوسف محمد. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکولوم. دمشق: دار الفکر.

۲۱. خسروی، محمدرضا. (۱۳۹۲ش). آیین نگارش حقوقی. تهران: نگاه بینه.

۲۲. خوش نصیب، مرتضی؛ محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۸۹ش). گزیده حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.

۲۳. دهخدا، علی اکبر؛ شهیدی، جعفر؛ مهرکی، ایرج؛ ستوده، غلامرضا؛ سلطانی، اکرم. (۱۳۹۰ش). فرهنگ متوسط دهخدا. دانشگاه تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.

۲۴. الدین الألبانی، محمد ناصر. (۱۴۳۴ق). ضعيف الجامع الصغير (وزيادته: الفتح الكبير). بی جا: المكتب الإسلامی.

۲۵. زمانی، مصطفی؛ مظاهری، حسین؛ حق جو، محمد حسین. (۱۳۸۶ش). خودسازی در مكتب قرآن و عترت (ع). قم: انصار المهدی (عج).

۲۶. سیفی، علی اکبر. (۱۳۸۶ش). دليل تحرير الوسیله (ولاية الفقيه). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار

۲۷. امام خمینی (س).
۲۷. شعیری، محمد بن محمد. (بی تا). جامع الأخبار. نجف: المطبعة الحیدریة.
۲۸. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. بی جا: نشر عالم کتاب.
۲۹. صدر، محمد؛ یعقوبی، محمد. (۱۴۲۷ق). موسوعة کتب الإمام الشہید السید محمد الصدر قدس سره. قم: جلال الدین.
۳۰. طباطبایی حکیم، محمد سعید. (۱۴۲۸ق). مصباح المنهاج (التجارة). نجف: دار الهلال.
۳۱. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ش). مجمع البحرین (تحقیق احمد حسینی اشکوری). تهران: نشر مرتضوی.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۷۳ش). رجال طوسی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۳. العتکی، عبیدالله المعروف بالیزار؛ المحقق: محفوظ الرحمن زین الله و آخرون. (۱۹۸۸م). مسند الیزار المنشور باسم البحر الزخار. مدینة: مكتبة العلوم والحکم.
۳۴. عمید زنجانی، عباسعلی؛ خاوری، یعقوب. (۱۳۸۴ش). واژه نامه تفصیلی فقه جزا. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۳۵. قزوینی، أبوعبدالله محمد بن یزید بن ماجة. (۱۴۳۰ق). سنن ابن ماجة الأرنبوط. بیروت: دار الرسالة العالمية.
۳۶. کشمیری الهندی، محمد أنور. (۱۴۲۵ق). العرف الشذی شرح سنن الترمذی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. گلدوزیان، ایرج. (۱۴۰۰ش). حقوق جزای عمومی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۸. لنگرودی، محمدجعفر جعفری. (۱۳۹۰ش). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۳۹. متقی، علی بن حسام الدین؛ حیانی، بکری؛ سقا، صفوه. (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ مسترحمی، هدايت الله؛ غفاری، علی اکبر؛ بهبودی، محمدباقر؛ مصباح یزدی و دیگران. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۱. محمدی ری شهری، محمد؛ شیخی، حمیدرضا. (۱۳۸۹ش). میزان الحکمه. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۴۲. مصدق، محمد. (۱۳۹۹ش). بایسته های حقوق جزای عمومی ۱-۲-۳ با اصلاحات مصوب ۱۳۹۹. تهران: نشر پژوهاک عدالت.
۴۳. مظاهری، حسین. (۱۳۸۷ش). حریم های اخلاق در آینه احکام. اصفهان: حدیث راه عشق.

۴۴. معین، محمد. (۱۳۶۴ش). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۴۵. موسوی خوانساری، احمد؛ محقق حلی، جعفر بن حسن؛ غفاری، علی اکبر. (۱۳۵۵ش). جامع المدارک فی شرح المختصر النافع. تهران: نشر مؤلف.
۴۶. مهنا، عبدالله علی. (۱۴۱۳ق). لسان اللسان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴۷. مهیار، رضا؛ بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی.
۴۸. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۳ش). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات دادگستر.
۴۹. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۴۰۴ش). جرایم علیه مصالح عمومی کشور. تهران: میزان.
۵۰. نجار، محمدعلی؛ مصطفی، ابراهیم؛ زیات، احمد حسن؛ عبدالقادر، حامد. (۱۹۸۹م). المعجم الوسيط. استانبول: دار الدعوة.
۵۱. نجاشی، احمد بن علی؛ شبیری زنجانی، موسی. (۱۳۷۶ش). فهرست اسماء مصنفی الشیعه المشتهر برجال النجاشی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۲. نجفی، هادی. (۱۳۸۷ش). الآراء الفقهية. قم: انتشارات مهر قائم.
۵۳. نفیسی، علی اکبر؛ فروغی، محمدعلی. (بدون تاریخ). فرهنگ نفیسی. تهران: خیام.
۵۴. نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸ق). خاتمة مستدرک الوسائل. لبنان: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۵۵. نووی، یحیی بن شرف؛ رملی، محمد بن احمد؛ شبراملسی، علی بن علی؛ مغربی رشیدی، احمد بن عبدالرزاق. (۱۴۲۴ق). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج فی الفقه علی مذهب الإمام الشافعی. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۶. هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت و مرکز پژوهش های فارسی الغدير.